گفتاری از دکتر
محمدجعفر یاحقی
درباره تصحیح تاریخ بیهقی
دکتر فیاض

او بیهقی را به جامعه ادبی شناساند

یکی از آثار ماندگار مرحوم دکتر علی اکبر فیاض تأسیس دانشکده ادبیات مشهد است. به تعبیر دقیق تر، می توان گفت که وی سنگ بنایی گذاشت که هنوز با سرافرازی پابرجاست و همه فارغ التحصیلان این دانشکده، چه در گذشته و چه در آینده، در حقیقت از ثمرات کار و اندیشه اویند. در یادداشت های مرحوم مجید فیاض که از خویشاوندان نزدیک دکتر فیاض بود، جزئیات تأسیس دانشکده آمده است و از خلال آن ها می توان دریافت که چگونه او با دل سوختگی، سخت‌کوشی و عشق به دانش، این بنیاد را برپا کرد. بی تردید دکتر فیاض از نادرگان تاریخ و ادب خراسان بود و حضور او در فضای فرهنگی این دیار تأثیری ژرف و پایدار بر جای گذاشت. چنان که استادمان دکتر یوسفی نیز گفته اند، وجودی همانند او در روزگار معاصر کمتر دیده شده است. دریغا که بسیاری از اندیشه ها و یافته های او در سینه خویش مکتوم ماند و منتشر نگردید. با این حال، هرآنچه امروز از دانشکده ادبیات صادر می شود، درواقع مولود و فرزندکار و اندیشه اوست.

همت والای مصحح نستوه

می خواهم اندکی بیشتر بر جنبه ای تمرکز کنم که به‌گمان من کار اصلی مرحوم دکتر فیاض بوده است و آن هم تصحیح و تحقیق در تاریخ بیهقی است. نام دکتر فیاض بی تردید با این اثر سترگ گره خورده است. او کسی بود که بیهقی را به جامعه ادبی ما شناساند و زمینه توجه دوباره ایران شناسان، پژوهشگران و اهل ادب را به این شاهکار نثر فارسی فراهم ساخت. امروز شاید هفته ای یا ماهی نگذرد که مقاله یا کتابی تازه درباره تاریخ بیهقی منتشر نشود، و همه این جریان علمی و پژوهشی حاصل اقدام دکتر علی اکبر فیاض است که این اثر را احیا کرد و در مسیر مطالعات ادبی قرار داد.

دکتر فیاض آثار متعددی نداشت. چند پژوهش در تاریخ اسلام از او باقی مانده است و برخی مقالات کوتاه، اما از حیث کمیت در قیاس با سهم علمی اش اندک است. با این همه، کار او بر تاریخ بیهقی چنان عمیق و اثرگذار بود که همان اندک، نامش را جاودانه ساخت. اگرچه نسخه تصحیح شده او ناتمام ماند و تعلیقاتش به پایان نرسید، همین مقدار کار نیز بنیانی استوار برای پژوهش های بعدی بنا نهاد.

چاپ های تاریخ بیهقی پیش از فیاض

پیش از دکتر فیاض، چند چاپ از تاریخ بیهقی موجود بود. نخستین چاپ به همت مورلی درکلکته صورت گرفت؛ چاپی نادرکه بر اساس نسخه های خطی موجود در هند تنظیم شده بود. بیشتر نسخه های خطی تاریخ بیهقی در همان نواحی هند نگهداری می شد. زیرا در ایران نسخه ای از این کتاب در دست نبود و بسیاری از نسخه های کهن از میان رفته بود. ۲۳ سال بعد، در زمان قاجاریه، نسخه ای دیگر به دستور معاون الملک کتابت شد. این نسخه را خوش نویسی به نام گلپایگانی نوشت و در اختیار ادیب پیشاوری گذاشتند. ادیب که از دانایان ممتاز ادبیات عرب و فارسی بود، دو سال با این نسخه کارکرد، واژه ها را سنجید، اصلاحاتی نوشت و سپس در سال ۱۳۰۷ قمری در تهران چاپ سنگی آن منتشر شد.

با وجود ارزش این چاپ ها، در ایران نسخه های معدودی از آن ها یافت می شد. زمانی که دکتر فیاض تصحیح خود را آغاز کرد، هیچ نسخه ای از چاپ ادیب در کتابخانه های عمومی موجود نبود و تنها نسخه ای در کتابخانه وزیری یزد موجود بود که فتوکپی آن در اختیار من قرار دارد. بعد از چاپ ادیب، مرحوم سعید نفیسی در سال ۱۳۱۹ جلد نخست تاریخ بیهقی را به چاپ رساند که البته ناقص ماند و ادامه نیافت. در همان سال ها وزارت فرهنگ وقت به دکتر قاسم غنی و دکتر فیاض مأموریت داد خلاصه ای از تاریخ بیهقی تهیه کنند، اما با بررسی نسخه ها دریافتند که این اثر نیازمند تصحیح کامل است نه تلخیص. از این رو دست به تصحیح جامع زدند و نتیجه در سال ۱۳۲۴ با عنوان چاپ وزارت فرهنگ منتشر شد. این چاپ با مقدمه علمی جامع، به قلم دکتر فیاض نگاشته شد، هرچند نام دکتر غنی نیز بر آن درج گردید. به‌گمان بسیار، مشارکت غنی بیشتر جنبه تشریفاتی و اداری داشته است.

روش فیاض در تصحیح تاریخ بیهقی

دکتر فیاض در این کار از دو منبع اصلی، یعنی چاپ مورلی و چاپ ادیب، بهره گرفت و آن ها را با نسخه های دست نویس تازه یاب در تهران تطبیق داد. میان او و مرحوم سعید نفیسی اختلافات علمی وجود داشت و هیچ کدام به تصحیح دیگری اشاره نکرده اند (چنان که فیاض در حاشیه یکی از کتاب هایش دست نوشته ای از نقد غیرعلمی درباره نفیسی گذاشته بود)، اما تردیدی نیست که تصحیح فیاض مبنای همه مطالعات بعدی قرارگرفت.

دکتر فیاض از سال ها پیش از انتشار، در پی گردآوری نسخه ها بود و از کتابخانه های هند و لندن نسخه های تازه ای را شناسایی کرده بود. هنگامی که در شهریور ۱۳۴۹ کنگره بیهقی در مشهد برگزار شد، همه مقالات و سخنرانی ها با ارجاع به چاپ فیاض نوشته شده بود و او در آن گردهمایی به عنوان اصلی ترین مرجع تاریخ بیهقی شناخته شد. متأسفانه فقط یک سال بعد، در شهریور ۱۳۵۰، دار فانی را وداع گفت، درحالی که جلد نهایی کتاب هنوز در حال حروف چینی در دانشگاه مشهد بود. یادداشت های محققانه او تا صفحه ۲۲۰ پیش رفته بود، اما ادامه آن ناتمام ماند و هیچ دست نویس دیگری از تعلیقات بعدی اش یافت نشد. با دکتر متینی گفت وگو داشتم و او نیز تأکید می کرد که در جست وجوهای مکرر در کتابخانه خانوادگی دکتر فیاض، مقدمه دوم یا یادداشت های پایانی به دست نیامده است. از این رو، مقاله معروف او درباره نسخه های خطی تاریخ، که در یادنامه بیهقی چاپ شده بود، به عنوان مقدمه چاپ نهایی دانشگاه مشهد برگزیده شد؛ مقاله ای که هنوز هم دقیق ترین تحقیق درباره نسخه های تاریخ بیهقی محسوب می شود.

چاپ نهایی در سال ۱۳۵۶ با ویرایش محدود منتشر شد. به پیشنهاد من، فهرست لغات و ترکیبات کتاب نیز تهیه گردید و سپس در سال ۱۳۷۵ چاپ تازه ای با مقدمه مفصل تر انتشار یافت. توجه و اهتمام او نه تنها تاریخ بیهقی را زنده کرد، بلکه الگویی برای «تصحیح علمی متن» در پژوهش فارسی پدید آورد. نسخه منحصر به فرد موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، با یادداشت های ادیب پیشاوری و محمد علی جواهری، گنجینه ای است که باید با همکاری استادان امروز به چاپ انتقادی برسد تا بخشی از تاریخ نسخه شناسی ما را روشن تر سازد.
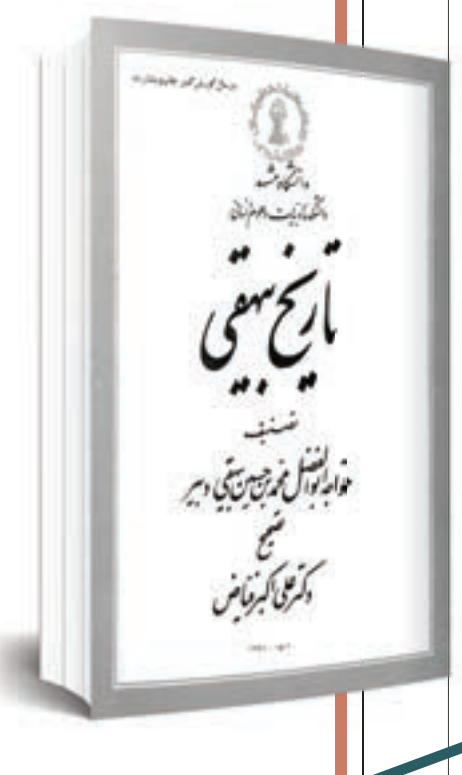
در پایان، باید اذعان کرد که دکتر فیاض در روزگار خود نادری از اهل علم بود. من بارها او را در جلسات گوناگون، چه در دانشگاه و چه در آستان قدس رضوی، دیده بودم. در همان سال ۱۳۴۹ که برای تدریس تاریخ بیهقی و تاریخ ملل و نحل اسلامی دعوت شده بود، در فهرست نگاری کتاب های لاتین و یونانی به آستان قدس کمک می کرد. بسیاری از آثار را جز او هیچ کس نمی توانست بخواند؛ او با خطی دقیق مشخصات را یادداشت می کرد و برای مجله نامه آستان قدس نمایه می ساخت. آن مجله پیش از انقلاب منتشر می شد و مرحوم تقی بهش سردبیرش بود. من در آن روزگار جوانی بیش نبودم و افتخار حضور در همان هیئت تحریریه را داشتم. دکتر فیاض رئیس هیئت مدیره و هیئت تحریریه بود و در همه جلسات با ذهنی محتاط و گفتاری عالمانه حضور داشت.